

آیه ۱۸۶

آیه و ترجمه

و اذا سالک عبادى عنى فانى قريب اجيب دعوة الداع اذا دعان فليستجيبوا لى
و ليؤمنوا بى لعلهم يرشدون ۱۸۶

ترجمه :

۱۸۶- و هنگامی که بندگان من از تو درباره من سؤال کنند بگو (من نزدیکم! دعای دعا کننده را به هنگامی که مرا می خواند پاسخ می گویم، پس آنها باید دعوت مرا بپذیرند و به من ایمان بیاورند تا راه یابند (و به مقصد برسند).

شان نزول

کسی از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) پرسید: آیا خدای ما نزدیک است تا آهسته با او مناجات کنیم؟ یا دور است تا با صدای بلند او را بخوانیم؟ آیه فوق نازل شد و (به آنها پاسخ داد که خدا به بندگان نزدیک است)

تفسیر نمونه، جلد ۱، صفحه ۶۳۸

تفسیر :

سلاحی به نام دعا و نیایش

از آنجا که یکی از وسائل ارتباط بندگان با خدا مسأله دعا و نیایش است به دنبال ذکر بخش مهمی از احکام اسلام در آیات گذشته آیه مورد بحث از آن سخن می گوید، و با اینکه یک برنامه عمومی برای همه کسانی که می خواهند با خدا مناجات کنند در بر دارد قرار گرفتن آن در میان آیات مربوط به روزه مفهوم تازه ای به آن می بخشد، چرا که روح هر عبادتی قرب به خدا و راز و نیاز با اوست.

این آیه روی سخن را به پیامبر کرده می گوید: «هنگامی که بندگانم از تو درباره من سؤال کنند بگو من نزدیکم» (و اذا سالک عبادى عنى فانى قريب).

نزدیکتر از آنچه تصور کنید، نزدیکتر از شما به خودتان، و نزدیکتر از شریان گردنهایتان چنانکه در جای دیگر می خوانیم: و نحن اقرب الیه من حبل الوريد (سوره ق آیه ۱۶).

سپس اضافه می کند: «من دعای دعا کننده را به هنگامی که مرا می خواند

اجابت می‌کنم» (اجیب دعوة الداع اذا دعان).
 «بنابر این باید بندگان من دعوت مرا بپذیرند» (فلیستجیبوا لی).
 «و به من ایمان آورند» (و لیؤمنوا بی).
 «باشد که راه خود را پیدا کنند و به مقصد برسند» (لعلهم یرشدون) جالب
 اینکه در این آیه کوتاه خداوند هفت مرتبه به ذات پاک خود اشاره کرده و هفت
 بار به بندگان! و از این راه نهایت پیوستگی و قرب و ارتباط و محبت خود را
 نسبت به آنان مجسم ساخته است!
 «عبداللہ بن سنان» می‌گوید از امام صادق (علیه السلام) شنیدم که
 فرمود:
 «زیاد دعا کنید زیرا دعا کلید بخشش خداوند و وسیله رسیدن به هر حاجت

تفسیر نمونه، جلد ۱، صفحه ۶۳۹

است، نعمتها و رحمت‌هایی نزد پروردگار است که جز با دعا نمی‌توان به آن
 رسید! و بدان هر در را که بکوبی عاقبت گشوده خواهد شد! آری او به ما
 نزدیک است، چگونه ممکن است از ما دور باشد در حالی که میان ما و قلب ما
 جای او است! (و اعلموا ان الله یحول بین المرء و قلبه) سوره انفال آیه ۲۴).

نکته‌ها

۱- فلسفه دعا و نیایش

آنها که حقیقت و روح دعا و اثرات تربیتی و روانی آن را نشناخته‌اند ایرادهای
 گوناگونی به مسأله دعا دارند:

گاه می‌گویند: دعا عامل تخدیر است، چرا که مردم را بجای فعالیت و
 کوشش و استفاده از وسائل پیشرفت و پیروزی، به سراغ دعا می‌فرستد، و به
 آنها تعلیم می‌دهد که بجای همه این تلاش‌ها دعا کنند!

و گاه می‌گویند: اصولاً آیا دعا کردن فضولی در کار خدا نیست؟! خدا هر چه
 را مصلحت بداند انجام می‌دهد، او به ما محبت دارد، مصالح ما را بهتر از خود
 ما می‌داند، پس چرا ما هر ساعت مطابق دلخواه خود از او چیزی بخواهیم؟!
 و زمانی می‌گویند: از همه اینها گذشته آیا دعا منافات با مقام رضا و تسلیم
 در برابر اراده خداوند ندارد؟

آنها که چنین ایرادهائی را مطرح می‌کنند از آثار روانی اجتماعی و تربیتی و
 معنوی دعا و نیایش غافلند؟ زیرا انسان برای تقویت اراده و بر طرف کردن
 ناراحتی‌ها به تکیه گاهی احتیاج دارد، دعا چراغ امید را در انسان روشن

مردمی که دعا و نیایش را فراموش کنند، با عکس العملهای نامطلوب روانی و اجتماعی مواجه خواهند شد.

و به تعبیر یکی از روانشناسان معروف:

«فقدان نیایش در میان ملتی برابر با سقوط آن ملت است اجتماعی که احتیاج به نیایش را در خود کشته است معمولاً از فساد و زوال مصون نخواهد بود.

البته نباید این مطلب را فراموش کرد که تنها صبح نیایش کردن و بقیه روز همچون یک وحشی به سر بردن بیهوده است، باید نیایش را پیوسته انجام داد و در همه حال با توجه بود تا اثر عمیق خود را در انسان از دست ندهد.»

آنسان که برای دعا اثر تخریری قائلند معنی دعا را نفهمیده‌اند، زیرا معنی دعا این نیست که از وسائل و علل طبیعی دست بکشیم و بجای آن دست به دعا برداریم، بلکه مقصود این است بعد از آنکه نهایت کوشش خود را در استفاده از همه وسائل موجود به کار بستیم، آنجا که دست ما کوتاه شد و به بنبست رسیدیم به سراغ دعا برویم، و با توجه و تکیه بر خداوند روح امید و حرکت را در خود زنده کنیم، و از کمکهای بی دریغ آن مبداء بزرگ مدد گیریم.

بنابراین دعا مخصوص به نارسائیه‌ها و بن بستها است، نه عاملی به جای عوامل طبیعی.

«نیایش در همین حال که آرامش را پدید آورده است، در فعالیتهای مغزی انسان یکنوع شکفتگی و انبساط باطنی و گاهی روح قهرمانی و دلاوری را تحریک می‌کند، نیایش خصائل خویش را با علامات بسیار مشخص و منحصر به فرد نشان می‌دهد، صفای نگاه متانت رفتار، انبساط و شادی درونی، چهره پر از یقین، استعداد هدایت، و نیز استقبال از حوادث، اینها است که از وجود یک گنجینه پنهان در عمق روح ما حکایت می‌کند، و تحت این قدرت حتی مردم عقب مانده

و کم استعداد نیز می‌توانند نیروی عقلی و اخلاقی خویش را بهتر به کار بندند، و از آن بیشتر بهره گیرند، اما متأسفانه در دنیای ما کسانی که نیایش را در

چهره حقیقتش بشناسند بسیار کمند.

از آنچه گفتیم پاسخ این ایراد که می‌گویند دعا بر خلاف رضا و تسلیم است نیز روشن شد، زیرا دعا همانطور که در بالا شرح داده شد یکنوع کسب قابلیت برای تحصیل سهم زیادتر از فیض بی‌پایان پروردگار است.

به عبارت دیگر انسان به وسیله دعا توجه و شایستگی بیشتری برای درک فیض خداوند پیدا می‌کند، بدیهی است کوشش برای تکامل و کسب شایستگی بیشتر عین تسلیم در برابر قوانین آفرینش است، نه چیزی بر خلاف آن.

از همه گذشته دعا یکنوع عبادت و خضوع و بندگی است، و انسان به وسیله دعا توجه تازه‌ای به ذات خداوند پیدا می‌کند، و همانطور که همه عبادات اثر تربیتی دارد دعا هم دارای چنین اثری خواهد بود.

و اینکه می‌گویند دعا فضولی در کار خدا است! و خدا هر چه مصلحت باشد انجام می‌دهد توجه ندارد که مواهب الهی بر حسب استعدادها و لیاقتها تقسیم می‌شود، هر قدر استعداد و شایستگی بیشتر باشد سهم بیشتری از آن مواهب نصیب انسان می‌گردد.

لذا می‌بینیم امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: ان عند الله عز و جل منزلة لا تنال الا بمسالة: در نزد خداوند مقاماتی است که بدون دعا کسی به آن نمی‌رسد!

دانشمندی می‌گوید وقتی که ما نیایش می‌کنیم خود را به قوه پایان ناپذیری که تمام کائنات را به هم پیوسته است متصل و مربوط می‌سازیم.

تفسیر نمونه، جلد ۱، صفحه ۶۴۲

و نیز می‌گوید: امروز جدیدترین علم یعنی روانپزشکی همان چیزهایی را تعلیم می‌دهد که پیامبران تعلیم می‌دادند، چرا؟ به علت اینکه پزشکان روانی دریافته‌اند که دعا و نماز داشتن یک ایمان محکم به دین نگرانی و تشویش و هیجان و ترس را که موجب نیم بیشتری از ناراحتیهای ما است بر طرف می‌سازد.

۲- مفهوم واقعی دعا

پس از آنکه دانستیم که دعا در مورد نارسائیهای قدرت ما است، نه در مورد توانائی و قدرت، و به عبارت دیگر دعای مستجاب دعائی است که به مضمون امن یجیب المضطر اذاعاه و یکشف السوء (سوره نمل آیه ۶۲) به هنگام اضطرار و عقیم ماندن تمام تلاشها و کوششها انجام گیرد، روشن می‌شود که مفهوم

دعا درخواست فراهم شدن اسباب و عواملی است که از دائره قدرت انسان بیرون باشد آن هم از کسی که قدرتش بیپایان و هر امری برای او آسان است. ولی این درخواست نباید تنها از زبان انسان صادر شود، بلکه از تمام وجود او برخیزد، و زبان در این قسمت نماینده و ترجمان تمام ذرات وجود انسان و اعضا و جوارح او باشد.

قلب و روح از طریق دعا پیوند نزدیک با خدا پیدا کند، و همانند قطره‌ای که به اقیانوس بی‌پایان به پیوند اتصال معنوی با آن مبداء بزرگ قدرت می‌یابد اثرات این ارتباط و پیوند روحانی را به زودی مورد بررسی قرار خواهیم داد. البته باید توجه داشت که یک نوع دیگر دعا داریم که حتی در موارد قدرت و توانائی نیز انجام می‌گیرد، و آن دعائی است که نشان دهنده عدم استقلال قدرتهای ما در برابر قدرت پروردگار است، و به عبارت دیگر مفهوم آن توجه به این حقیقت است که اسباب و عوامل طبیعی هر چه دارند از ناحیه او دارند،

تفسیر نمونه، جلد ۱، صفحه ۶۴۳

و به فرمان او هستند، اگر به دنبال دارو می‌رویم و شفا از آن می‌طلبیم به خاطر آن است که او آن اثر را به دارو بخشیده (این نوع دیگری از دعا است که در احادیث اسلامی نیز به آن اشاره شده است).

کوتاه سخن اینکه دعا یکنوع خود آگاهی و بیداری دل و اندیشه، و پیوند باطنی با مبداء همه نیکیها و خوبیها است، لذا در سخنان حضرت علی (علیه السلام) می‌خوانیم لا یقبل الله عز و جل دعاء قلب لاه: خداوند دعای غافل‌دلان را مستجاب نمی‌کند.

و در حدیث دیگر از امام صادق (علیه السلام) به همین مضمون می‌خوانیم ان الله عز و جل لا یتجیب دعاء بظهر قلب ساه.

۳- شرائط اجابت دعاء

توجه به کیفیت این شرائط نیز روشنگر حقایق تازه‌ای در زمینه مسأله بظاهر بغرنج دعاء است، و اثر سازنده آن را آشکار می‌سازد در روایات اسلامی شرائطی بر استجابت دعای خوانیم از جمله:

۱- برای اجابت دعا باید قبل از هر چیز در پاکی قلب و روح کوشید، و از گناه توبه کرد، و خودسازی نمود، و از زندگی رهبران الهی الهام گرفت.

از امام صادق (علیه السلام) نقل شده که فرمود: ایاکم ان یسئل احدکم ربه شیئا من حوائج الدنیا و الآخرة حتی یبدء بالثناء علی الله و المدحه له و الصلاة

علی النبی و آلہ، ثم الاعتراف بالذنب، ثم المسألة: مبادا هیچ یک از شما از خدا تقاضائی کند مگر اینکه نخست حمد و ثنای او را بجا آورد و درود بر پیامبر و آل او بفرستد بعد به گناه خود نزد او اعتراف (و توبه) کند سپس دعا نماید.

تفسیر نمونه، جلد ۱، صفحه ۶۴۴

۲- در پاکی زندگی از اموال غصب و ظلم و ستم بکوشد، و تغذیه او از حرام نباشد از پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آلہ و سلم) نقل شده: من احب ان يستجاب دعائه فليطب مطعمه و مکسبه: کسی که دوست دارد دعایش مستجاب گردد باید غذا و کسب خود را پاک کند.

۳- از مبارزه با فساد و دعوت بسوی حق خود داری نکنند، زیرا آنها که امر بمعروف و نهی از منکر را ترک می گویند دعای مستجابی ندارند، چنانکه از پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آلہ و سلم) نقل شده: لتأمرن بالمعروف و لتنهين عن المنکر، او لیسلمن الله شرارکم علی خيارکم و يدعوا خيارکم فلا يستجاب لهم: باید امر به معروف و نهی از منکر کنید و الا خداوند بدان را بر نیکان شما مسلط می کند و هر چه دعا کنند مستجاب نخواهد شد! در حقیقت ترک این وظیفه بزرگ نظارت ملی نابسامانیهای در اجتماع به وجود می آورد که نتیجه آن خالی ماندن صحنه اجتماع برای بدکاران است، و دعا برای برطرف شدن نتایج آن بی اثر است زیرا این وضع نتیجه قطعی اعمال خود انسان می باشد.

۴- عمل به پیمانهای الهی

ایمان و عمل صالح و امانت و درستکاری یکی دیگر از شرائط استجابت دعا است.

زیرا آن کس که به عهد خویش در برابر پروردگارش وفا نکند نباید انتظار داشته باشد که مشمول وعده اجابت دعا از ناحیه پروردگار باشد. کسی نزد امیر مؤمنان علی (علیه السلام) از عدم استجابت دعایش شکایت کرد و گفت با اینکه خداوند فرموده دعا کنید من اجابت می کنم، چرا ما دعا می کنیم و به اجابت نمی رسد؟! اما در پاسخ فرمود: ان قلوبکم خان بثمان خصال:

اولها: انکم عرفتم الله فلم تؤدوا حقه کما اوجب علیکم، فما اغنت عنکم معرفتکم شیئا.

و الثانية: انکم آمنتم برسوله ثم خالفتم سنته و اتمتم شریعته فاین ثمره ایمانکم؟

و الثالثة: انکم قراتم کتابه المنزل علیکم فلم تعملوا به، و قلتہ سمعنا و اطعنا ثم خالفتم!

و الرابعة: انکم قلتہ تخافون من النار، و انتم فی کل وقت تقدمون الیہا بمعاصیکم، فاین خوفکم؟

و الخامسة: انکم قلتہ ترغبون فی الجنة، و انتم فی کل وقت تفعلون ما یباعدکم منها فاین رغبتکم فیہا؟

و السادسة: انکم اکلتم نعمة المولی فلم تشکروا علیہا!

و السابعة: ان الله امرکم بعداوة الشیطان، و قال ان الشیطان لکم عدو فاتخذوه عدوا، فعاد یتموه بلاقول، و والیتموه بلا مخالفة.

و الثامنة: انکم جعلتم عیوب الناس نصب اعینکم و عیوبکم وراء ظهورکم تلومون من انتم احق باللوم منه فای دعاء یتستجاب لکم مع هذا و قد سددتم ابوابه و طرقه؟ فاتقوا الله و اصلحوا اعمالکم و اخلصوا سرائرکم و امروا بالمعروف و انهوا عن المنکر فیستجیب لکم دعائکم:.

قلب و فکر شما در هشت چیز خیانت کرده لذا دعایتان مستجاب نمی شود: ۱- شما خدا را شناخته اید اما حق او را ادا نکرده اید، بهمین دلیل شناخت شما سودی بحالتان نداشته!

۲- شما به فرستاده او ایمان آورده اید سپس با سنتش به مخالفت برخاسته اید ثمره ایمان شما کجا است؟

تفسیر نمونه، جلد ۱، صفحه ۶۴۶

- ۳- کتاب او را خوانده اید ولی به آن عمل نکرده اید، گفتید شنیدیم و اطاعت کردیم سپس به مخالفت برخاستید!
- ۴- شما می گوئید از مجازات و کیفر خدا می ترسید، اما همواره کارهایی می کنید که شما را به آن نزدیک می سازد ...
- ۵- می گوئید به پاداش الهی علاقه دارید اما همواره کاری انجام می دهید که شما را از آن دور می سازد ...
- ۶- نعمت خدا را می خورید و حق شکر او را ادا نمی کنید.
- ۷- به شما دستور داده دشمن شیطان باشید (و شما طرح دوستی با او می ریزید) ادعای دشمنی با شیطان دارید اما عملاً با او مخالفت نمی کنید.
- ۸- شما عیوب مردم را نصب العین خود ساخته و عیوب خود را پشت سر افکنده اید ... با این حال چگونه انتظار دارید دعایتان به اجابت برسد؟ در حالی

که خودتان درهای آنرا بسته‌اید؟ تقوا پیشه کنید، اعمال خویش را اصلاح نمائید
امر به معروف و نهی از منکر کنید تا دعای شما به اجابت برسد.
این حدیث پر معنی با صراحت می‌گوید:

وعدده خداوند به اجابت دعا یک وعده مشروط است نه مطلق، مشروط به آنکه
شما به وعده‌ها و پیمانهای خود عمل کنید در حالی که شما از ۸ راه پیمان
شکنی کرده‌اید، و اگر به این پیمان شکنی پایان دهید دعای شما مستجاب
می‌شود.

عمل به دستورات هشتگانه فوق که در حقیقت شرائط استجاب دعا است برای
تربیت انسان و به کار گرفتن نیروهای او در یک مسیر سازنده و ثمر بخش
کافی است.

۵- دیگر از شرائط استجاب دعا توأم گشتن آن با عمل و تلاش و کوشش است
در کلمات قصار امیر مؤمنان علی (علیه السلام) می‌خوانیم: الداعی بلا عمل
کالرامی

تفسیر نمونه، جلد ۱، صفحه ۶۴۷

بلاوتر! (نهج البلاغه- حکمت ۳۳۷): دعا کننده بدون عمل و تلاش مانند
تیرانداز بدون زه است!
با توجه به اینکه وتر (زه) عامل حرکت و وسیله پیش راندن تیر به سوی هدف
است نقش عمل در تاثیر دعا روشن می‌گردد.
مجموع شرائط پنجگانه فوق روشنگر این واقعیت است که دعا نه تنها نباید
جانشین اسباب طبیعی و وسائل عادی برای وصول به هدف گردد، بلکه برای
اجابت آن باید در برنامه‌های زندگی دعا کننده دگرگونی کلی به عمل آید،
روحیات شخص، نوسازی شود، و در اعمال پیشین تجدید نظر گردد.
آیا چسبانیدن عنوان مخدر به دعا با چنین شرایطی نشانه بی‌اطلاعی و یا
اعمال غرض نیست؟!

تفسیر نمونه، جلد ۱، صفحه ۶۴۸

آیه : ۱۸۷

آیه و ترجمه

احل لكم ليلة الصيام الرفث الى نسائكم هن لباس لكم و انتم لباس لهن علم الله
انكم كنتم تختانون انفسكم فتاب عليكم و عفا عنكم فالن بشروهن و ابتغوا ما

كتب الله لكم و كلوا واشربوا حتى يتبين لكم الخيط الالبيض من الخيط الاسود من الفجر ثم اتموا الصيام الى الليل و لا تبشروهن و انتم عكفون في المسجد تلك حدود الله فلا تقربوها كذلك يبين الله آياته للناس لعلهم يتقون ١٨٧
ترجمه :

١٨٧- آمیزش جنسی با همسرانتان در شب روزه داری حلال است، آنها لباس شما هستند و شما لباس آنها.
(هر دو زینت یکدیگر هستید و باعث حفظ یکدیگر) خداوند می دانست که شما به خود خیانت می کردید (و این کار را که ممنوع بود بعضا انجام می دادید) پس توبه کرد بر شما و شما را بخشید.
اکنون با آنها آمیزش کنید و آنچه را خدا بر شما مقرر داشته طلب نمائید.
بخورید و بیاشامید تا رشته سپید صبح از رشته سیاه (شب) برای شما آشکار گردد، سپس روزه را تا شب تکمیل کنید، و در حالی که در مساجد مشغول اعتکاف هستید با زنان آمیزش نکنید، این مرزهای الهی است، به آن نزدیک نشوید، خداوند این چنین آیات خود را برای مردم روشن می سازد، باشد که پرهیزگار گردند.

تفسیر نمونه، جلد ۱، صفحه ۶۴۹

شان نزول

از روایات اسلامی چنین استفاده می شود که در آغاز نزول حکم روزه مسلمانان تنها حق داشتند قبل از خواب شبانه غذا بخورند چنانچه کسی در شب به خواب می رفت سپس بیدار می شد خوردن و آشامیدن بر او حرام بود. و نیز در آن زمان آمیزش با همسران در روز و شب ماه رمضان مطلقا تحریم شده بود.

یکی از یاران پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به نام مطعم بن جبیر که مرد ضعیفی بود با این حال روزه می داشت، هنگام افطار وارد خانه شد، همسرش رفت برای افطار او غذا حاضر کند به خاطر خستگی خواب او را ربود، وقتی بیدار شد گفت من دیگر حق افطار ندارم، با همان حال شب را خوابید و صبح در حالی که روزه دار بود برای حفر خندق (در آستانه جنگ احزاب) در اطراف مدینه حاضر شد، در اثناء تلاش و کوشش به واسطه ضعف و گرسنگی مفرط بیهوش شد، پیامبر بالای سرش آمد و از مشاهده حال او متأثر گشت.
و نیز جمعی از جوانان مسلمان که قدرت کنترل خویشتن را نداشتند شبهای

ماه رمضان با همسران خود آمیزش می نمودند.
در این هنگام آیه نازل شد و به مسلمانان اجازه داد که در تمام طول شب می توانند غذا بخورند و با همسران خود آمیزش جنسی داشته باشند.

تفسیر :

توسعه ای در حکم روزه

چنانکه در شأن نزول خواندیم در آغاز اسلام آمیزش با همسران در شب و روز ماه رمضان مطلقاً ممنوع بود، و همچنین خوردن و آشامیدن پس از خواب

تفسیر نمونه، جلد ۱، صفحه ۶۵۰

و این شاید آزمایشی بود برای مسلمین و هم برای آماده ساختن آنها نسبت به پذیرش احکام روزه.

آیه مورد بحث که شامل چهار حکم اسلامی در زمینه روزه و اعتکاف است نخست در قسمت اول می گوید در شبهای ماه روزه آمیزش جنسی با همسرانتان برای شما حلال شده است (احل لكم ليلة الصيام الرفث الى نسائکم).

سپس به فلسفه این موضوع پرداخته، می گوید: زنان لباس شما هستند و شما لباس آنها هن لباس لكم و انتم لباس لهن).

لباس از یکسو انسان را از سرما و گرما و خطر برخورد اشیاء به بدن حفظ می کند، و از سوی دیگر عیوب او را می پوشاند، و از سوی سوم زینتی است برای تن آدمی، این تشبیه که در آیه فوق آمده اشاره به همه این نکات است. دو همسر یکدیگر را از انحرافات حفظ می کنند، عیوب هم را می پوشانند وسیله راحت و آرامش یکدیگرند، و هر یک زینت دیگری محسوب می شود.

این تعبیر نهایت ارتباط معنوی مرد و زن و نزدیکی آنها را به یکدیگر و نیز مساوات آنها را در این زمینه کاملاً روشن می سازد، زیرا همان تعبیر که درباره مردان آمده درباره زنان هم آمده است بدون هیچ تغییر.

سپس قرآن علت این تغییر قانون الهی را بیان کرده می گوید: خداوند می دانست که شما به خویشتن خیانت می کردید (و این عمل را که ممنوع بود بعضاً انجام می دادید) خدا بر شما توبه کرد، و شما را بخشید (علم الله انکم کنتم تختانون انفسکم فتاب علیکم و عفا عنکم).

آری برای اینکه شما آلوده گناه بیشتر نشوید خدا به لطف و رحمتش این

برنامه را بر شما آسان ساخت و از مدت محدودیت آن کاست. اکنون که چنین است با آنها آمیزش کنید و آنچه را خداوند بر شما مقرر داشته طلب نمائید (فالان باشروهن و ابتغوا ما کتب الله لکم). مسلماً این امر به معنی وجوب نیست بلکه اجازه‌ای است بعد از ممنوعیت که در اصطلاح اصولیون امر عقیب حظر نامیده می‌شود و دلیل بر جواز است جمله و ابتغوا ما کتب الله لکم اشاره به این است که استفاده از این توسعه و تخفیف که در مسیر قوانین آفرینش و حفظ نظام و بقای نسل است، هیچ مانعی ندارد.

سپس به بیان دومین حکم می‌پردازد و می‌گوید بخورید و بیاشامید تا رشته سپید صبح از رشته سیاه شب برای شما آشکار گردد (و کلاوا و اشربوا حتی یتبین لکم الخیط الابيض من الخیط الاسود من الفجر). به این ترتیب مسلمانان حق داشتند در تمام طول شب از خوردنیها و نوشیدنیها استفاده کنند، اما به هنگام طلوع سپیده صبح امساک نمایند. بعد به بیان سومین حکم پرداخته می‌گوید سپس روزه را تا شب تکمیل کنید (ثم اتموا الصيام الی اللیل).

این جمله تاء کیدی است بر ممنوع بودن خوردن و نوشیدن و آمیزش جنسی در روزها برای روزه داران، و نیز نشان دهنده آغاز و انجام روزه است که از طلوع فجر شروع و به شب ختم می‌شود.

سرانجام به چهارمین حکم پرداخته می‌گوید: هنگامی که در مساجد مشغول اعتکاف هستید با زنان آمیزش نکنید (و لا تباشروهن و انتم عاکفون فی المساجد).

بیان این حکم مانند استثنائی است برای حکم گذشته زیرا به هنگام اعتکاف که حد اقل مدت آن سه روز است روزه می‌گیرند اما در این مدت نه در روز حق آمیزش جنسی با زنان دارند و نه در شب.

در پایان آیه، اشاره به تمام احکام گذشته کرده چنین می‌گوید: اینها مرزهای الهی است به آن نزدیک نشوید (تلك حدود الله فلا تقربوها) زیرا نزدیک شدن به مرز وسوسه انگیز است، و گاه سبب می‌شود که انسان از مرز بگذرد و در

گناه بیفتد.

آری این چنین خداوند آیات خود را برای مردم روشن می‌سازد، شاید پرهیزگاری پیشه کنند (کذلک یبین الله آیاته للناس لعلهم یتقون).

نکته‌ها

۱- مرزهای الهی

همانگونه که در آیات فوق بعد از ذکر قسمتهائی از احکام روزه و اعتکاف خواندیم از این احکام تعبیر مرزهای الهی شده است، مرز میان حلال و حرام مرز میان ممنوع و مجاز، وجالب اینکه نمی‌گویید از مرزها نگذرید، می‌گویید: به آن نزدیک نشوید! چرا که نزدیک شدن به مرز وسوسه انگیز است و گاه سبب می‌شود که بر اثر طغیان شهوات و یا گرفتار شدن به اشتباه انسان از آن بگذرد.

به همین دلیل در بعضی از قوانین اسلامی گام نهادن در مناطقی که موجب لغزش انسان به گناه است نهی شده است مانند شرکت در مجلس گناه، هر چند خود آلوده آن گناه نباشد، و یا خلوت کردن با اجنبیه (بودن با یک زن بیگانه در یک محل خلوت و کاملاً تنها که دیگران به آن راه ندارند). همین معنی در احادیث دیگر تحت عنوان حمایت از حمی (نگهداشتن حریم منطقه ممنوعه) بیان شده است:

پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) می‌فرماید: ان حمی الله محارمه، فمن یرتع حول الحمی یوشک ان یقع فیه: محرمات الهی قرقگاه‌های او است هر کس گوسفند

تفسیر نمونه، جلد ۱، صفحه ۶۵۳

خود را در کنار قرقگاه ببرد بیم آن می‌رود که وارد منطقه ممنوعه شود. باز به همین دلیل افرادی که پایبند اصول تقوی و پرهیزگاری هستند نه تنها مرتکب محرمات نمی‌شوند بلکه سعی دارند به نزدیکی حرام نیز گام ننهند.

۲- اعتکاف

اعتکاف در اصل به معنی محبوس ماندن و مدتی طولانی در کنار چیزی بودن است و در اصطلاح شرع توقف در مساجد برای عبادت می‌باشد که حد اقل آن سه روز است و شرط آن روزه داشتن و ترک بعضی دیگر از لذائذ است. این عبادت اثر عمیقی در تصفیه روح و توجه مخصوص به پروردگار دارد و آداب و شرائط آن در کتب فقهی ذکر شده است البته این عبادت ذاتاً از

مستحبات است ولی در پاره‌ای از موارد استثنائی شکل وجوب به خود می‌گیرد، به هر حال در آیه مورد بحث تنها به یکی از شرائط آن که عدم آمیزش با زنان (اعم در شب یا روز) است اشاره شده آنهم به خاطر ارتباط و پیوندی که با مساءله روزه دارد.

۳- طلوع فجر

فجر در اصل به معنی شکافتن است و اینکه از طلوع صبح تعبیر به فجر شده بخاطر آن است پرده سیاه شب با ظهور اولین سپیده صبح از هم شکافته می‌شود.

در آیات مورد بحث علاوه بر این تعبیر، تعبیر به حتی یتبین لکم الخیط الابيض من الخیط الاسود آمده است، جالب اینکه در حدیثی می‌خوانیم که عدی بن حاتم خدمت پیامبر عرض کرد من ریسمان سیاه و سفیدی گذارده بودم و به آنها نگاه می‌کردم تا به وسیله شناسائی آن دو از یکدیگر آغاز وقت روزه را تشخیص دهم! پیامبر از این سخن چنان خندید که دندانهای مبارکش

تفسیر نمونه، جلد ۱، صفحه ۶۵۴

نمایان گشت، فرمود: ای پسر حاتم منظور رشته سفید صبح از رشته سیاه شب در افق است که آغاز وجوب روزه است. ضمناً باید توجه داشت که این تعبیر نکته دیگری را نیز روشن می‌سازد و آن شناختن صبح صادق از کاذب است، زیرا: در پایان شب نخست یک سفیدی بسیار کم رنگ به طور عمودی در آسمان پیدا می‌شود که آن را به دم روباه تشبیه کرده‌اند، این همان صبح کاذب و دروغگو است اما کمی بعد از آن سفیدی شفافی به طور افقی و در امتداد افق نمایان می‌شود که همچون رشته نخ سپیدی است که در کنار رشته سیاه شب کشیده شده است، این همان صبح صادق است که آغاز روزه و ابتدای وقت نماز صبح است، و هیچ شباهتی با صبح کاذب ندارد.

۴- آغاز و پایان، تقوا است

جالب اینکه در نخستین آیه مربوط به احکام روزه خواندیم که هدف نهائی از آن تقوا است، همین تعبیر عیناً در پایان آخرین آیه نیز آمده است (لعلهم یتقون) و این نشان می‌دهد که تمام این برنامه‌ها وسیله‌ای هستند برای پرورش روح تقوا و خویشنداری و ملکه پرهیز از گناه و احساس مسئولیت در برابر وظائف انسانها.

پروردگارا! سر تعظیم بر آستان مقدست می‌سائیم که این توفیق را به ما دادی
که جلد اول این تفسیر را مورد تجدید نظر قرار داده، نقائص آن را در حد
توانائی بر طرف سازیم شاید بتوانیم کتاب بزرگ آسمانیت قرآن مجید را بیش
از پیش به برادران و خواهران مسلمان بشناسانیم.
خداوند! تو را شکر می‌گوئیم که ما را مشمول این عنایت فرمودی که در
طریق تفسیر سخنان بزرگ و پر ارجت گام برداریم.

تفسیر نمونه، جلد ۱، صفحه ۶۵۵

بارالها! این افتخار بزرگ را تا پایان کار از ما سلب مفرما تا بتوانیم باقیمانده این
تفسیر را به بهترین صورت تنظیم و نشر دهیم.
خداوند! از اینکه قلوب بندگان خاصت را متوجه این کتاب ساختی و این همه
از آن استقبال کردند و شاید به ما در دل شبها یا به هنگام روز دعای خیری
کنند متشکر و سپاسگزاریم.
پایان جلد اول تفسیر نمونه
با تجدید نظر

چهاردهم مرداد ۱۳۶۱ مطابق پانزدهم شوال ۱۴۰۲

↑ فرست

→ قبل